

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



مقام معظم رهبری :

هر شهید پرچمی برای استقلال و شرف این ملت است.

نمابندگی دفتر حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس شهرستان جوین
پس از تایید و تقدیر رهبری در بهمن ۹۷ فعالیت خود را به صورت شبانه
روزی در جهت ثبت و ضبط تاریخ دفاع مقدس و شهدا با برنامه های خاطره
گویی ، چاپ کتاب و ساخت فیلم و جمع آوری آثار دوران دفاع مقدس
آغاز کرد

شماره تلفن ۰۹۱۵۱۷۱۰۶۳۱.



اداره کل حفظ آثار و نشر
آرشیو ملی دفاع مقدس
استان خراسان رضوی



انتشارات باران رضا

عنوان کتاب : **شناسنامه های ما (۲) شهید نوروز علی قنبری نیا**

نویسندگان: محمدعلی شمس آبادی - تکتم حکم آبادی

ویراستار: هادی آریانا

طراحی جلد و صفحه چینی: هادی آریانا

ناشر: انتشارات باران رضا(ع)

نوبت چاپ: چاپ اول ۱۴۰۰

شابک: ۱ - ۲ - ۹۴۷۶۳ - ۶۲۲ - ۹۷۸

شابک دوره: ۸ - ۳ - ۹۴۷۶۳ - ۶۲۲ - ۹۷۸



جمهوری اسلامی ایران



مشخصات شهید

نام: نوروز علی

نام خانوادگی: قنبری نیا

نام پدر: براتعلی

تاریخ تولد: روز ۰۱ - ماه ۱۰ - سال ۱۳۳۹

محل تولد: شهرستان جویبار سردار آباد

درجه: معلم بیجی

محل	سال	ماه	روز	شهادت
سردار آباد	۷۵	۰۵	۰۳	شهادت

عوارض جانبی: نحوه شهادت:

مزار شهدای شهر نقاب - محله سردار آباد مزار شهید:

معلم جانباز شهید نوروز علی قنبری نیا

نوروز علی قنبری نیا فرزند براتعلی در سال ۱۳۳۹ در روستای سردارآباد از توابع شهرستان جوین سبزوار به دنیا آمد. در آغاز طفولیت پدرش را که از کارگران راه آهن بود، بر اثر سانحه‌ای از دست داد و در دوران طفولیت گرد یتیمی بر چهره‌اش نشست.

تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در سردارآباد و نقاب گذراند و برای ادامه تحصیل به سبزوار مهاجرت کرد و در کنار تحصیل برای تأمین مخارج زندگی و تحصیل به کار مشغول شد.

آن طوری که بستگان این شهید می‌گویند پدر ایشان مرحوم براتعلی سردارآبادی در یکی از روزهای طوفانی که با سه چرخ‌های مخصوص راه آهن مسیر ایستگاه‌های پیرامونی نقاب را در حوزه بازدید خود رکاب می‌زد، قطاری از پشت سر به ایشان می‌رسد متأسفانه جریان مخالف طوفان بوق قطار به گوشش نمی‌رسد و به این شکل یتیمی شهید جانباز نوروز علی قنبری نیا در ۲ الی ۳ سالگی اش رقم می‌خورد.

زندگی بر این کودک یتیم سخت می‌شود با سرپرستی مادرش و حمایت یکی از بستگانش در کلاس‌های رنج و مشقت و یتیمی آبدیده می‌شود و تا اخذ مدرک دیپلم مسیر دشوار زندگی را طی می‌کند

از تأسیس کتابخانه تا تشکیل مؤسسه خیریه

نوروز علی سردارآبادی پس از اخذ دیپلم، چون سرپرستی مادر بزرگش را به عهده دارد از خدمت دوره وظیفه عمومی سربازی معاف می‌شود این زمان مصادف با اول انقلاب بود و جوانان آن دوره که نوعاً انقلابی بودند، در تدارک و آماده‌سازی آرمان‌های انقلاب سر از پا نمی‌شناختند و نوروز علی جوان اول انقلاب نیز همچون سایر انقلابیون در فعالیتهای فرهنگی و تشکیل کتابخانه مسجد روستای سردارآباد آن موقع خالصانه تلاش می‌کرد و به‌عنوان اولین جوان در محله سردار آباد فعلی شهر نقاب که آن زمان روستای سردارآباد می‌گفتند کتابخانه مسجد را دایر کرد.

نویسنده کتاب به یاد دارد در یک شب تابستانی، یک موتور سوار وارد منزل شد و خود را احمد شمس‌آبادی معرفی کرد (احمد نوربخش از دوستان آن زمان آزاده بیدخوری و کدوغنی در آموزش و پرورش جوین و مسوول دانشسرای نقاب)

و گفت: من از اداره ... شهرستان جغتای آمده‌ام برای تحقیقات در مورد نوروز علی سردار آبادی گفتم: بفرمایید

وی گفت: آقای به نام نوروز علی سردارآبادی در آزمون معلمی قبول

شده است و من باید در مورد اعتقاد و مرام سیاسی وی تحقیق بکنم. احمد نوربخش گفت: بنده برای تحقیقات در مورد این آقا خدمت حجت الاسلام حاج شیخ براتعلی شمس‌آبادی رفتم و ایشان شما را معرفی کردند. در اوایل انقلاب سال ۵۸ و ۵۹ که ساختارهای نظام جمهوری اسلامی شکل نگرفته بود بسیاری از امور اداری کشور به شکل کمیته‌های مردمی و کمیته‌های انقلاب اداره می‌شد. مثلاً اینگونه تحقیقات و سوابق افراد از افراد معتمد و یا رئیس کمیته‌های انقلاب انجام می‌گرفت و حتی انتخابات مجلس و ریاست جمهوری و رفراندوم جمهوری اسلامی هم توسط این کمیته‌های مردمی و انقلابی انجام می‌گرفت.

مرحوم شیخ براتعلی شمس‌آبادی که از تحصیل کرده‌های حوزه علمیه نجف اشرف بودند و در اوایل انقلاب به ایران برگشته بودند در روستای شمس‌آباد آن موقع مستقر بوده و با همکاری پاسگاه ژاندارمری نقاب که چند نفر را به عنوان «جوانمرد» بکار گرفته بودند امنیت و امور اداری شهرستان را انجام می‌دادند بنده در پاسخ به سوال محقق در مورد شهید نوروزعلی سردارآبادی گفتم: ایشان ۳۰ فعلاً در مسجد روستای سردارآباد کتابخانه‌ای را راه انداخته است و من همین اندازه ایشان را می‌شناسم.

معلمی خیرخواه

روزی شهید قنبری نیا برای انجام کاری وارد صندوق قرض الحسنه باب الحوائج جوین در محله شمس آباد شد. نویسنده از نزدیک شاهد قضایا بود. این شهید با مدیر عامل این بانک اسلامی صحبت هایی داشتند و پیرامون محرومین و پرداخت وام و غیرو حرفهایی بین آنها رد و بدل شد آستانه عید نوروز بود، این شهید با همراهی اعضای صندوق قرض الحسنه باب الحوائج جوین، دست دوستی و همکاری داده و با همکاری یکدیگر امور خیر خواهانه را شروع کردند.

اواخر سال ۶۶ بود و نزدیک ایام عید نوروز. با کمک شیخ ابوالحسن شمس آبادی یکی از اعضای هیئت مدیره صندوق و یکی دیگر از اعضای این صندوق و این شهید کمک های مردمی را جمع می کردند و در روستا های محروم آن زمان از قبیل: زیرآباد و سیرغان و قزلقارشی و ... در قالب لباس و کفش بین خانواده های بی بضاعت توزیع می کردند.

خانواده های محروم و بی بضاعت آن موقع وقتی شهید قنبریا را می دیدند که با یک دست و با معلولیت اعضای بدن به کمک آنها آمده متحیر میشوند.

آن زمان روستای بهرآباد قدیم (آرامگاه فعلی سعد الدین حمویه) که هم اکنون با روستای قزلقارشی ادغام شده است دارای سکنه بود.

در این روستای قدیمی افراد در خرابه های قلعه تاریخی و خانه هایی تاریک و با حداقل امکانات زندگی فقیرانه ای داشتند که هر بیننده ای با دیدن آن قلبش به درد می آمد. یکی از افراد آن روستای تاریخی که در آن زمان کودک خردسالی بود هم اکنون کارمند صندوق قرض الحسنه رازی است. آقای علی بهرآبادی را ما نمی شناختیم. او خودش از آن زمان و حضور شهید قنبریا در قلعه خرابه بهرآباد جوین تعریف میکند.

این اقدام خدایسندانه شهید و دستگیری از محرومان توسط جانبازی که فقط یک دست در بدن دارد موجب برکت و منشا خیری شد. شهید قنبری نیا که طعم درد و فقر و محرومیت، یتیمی را چشیده بود موضوع تشکیل و تاسیس موسسه ایتام فدک را با چند نفر از دوستانش همچون بابا محمد فتح آبادی (قدسیان) و علی سعیدیان و برادر خانمش ولی اله احسانی و چند نفر دیگر مطرح کرد و پیشگام این امرخدایسندانه شد ولی متأسفانه قبل از توفیق اخذ مجوز موسسه خیریه شربت شهادت را نوشید.

راه این جانباز و ایثارگر شهید را همسر مکرم وی با وقف قسمتی از منزل مسکونی که مهریه اش بود برای موسسه ایتام، ادامه داد.

گروهی از دوستان شهید از جمله مولف کتاب و مرحوم شیخ غلامرضا تشکری محمد ثنایی، شیخ غلامحسین ملایجردی، ثنایی فر، معراجی فر و ... با محوریت علی سعیدیان طرح خیر خواهانه شهید را ادامه داده و پس از اخذ مجوز فعالیت موسسه ایتام فدک جوین، اقدامات خوبی از آن زمان تا کنون برای

خدمات دهی به طبقه ایتم محروم صورت گرفته و می گیرد شهید قنبری نیا در همان سال های اول استخدامی خود به عنوان معلم و آموزگار پیمانی آموزش و پرورش در منطقه جوین و جغتای خدمت کرد. وی در سال ۱۳۶۱ اولین سال های معلمی خود را در دبستان های روستای «گفت» و «جبله» سپری کرد و سپس به عنوان متصدی آموزش در اداره آموزش و پرورش جوین مشغول به فعالیت شد.

وی برای اولین بار در سال ۶۱ به ندای امام امت لبیک گفت و به منطقه ی کامیاران کردستان اعزام شد. شهید قنبری نیا در ۱۴ اسفند ۱۳۶۴ از طریق یگان بسیج به منطقه فاو اعزام شد و در منطقه فاو پس از توفیق شرکت در عملیات والفجر ۸ در مورخه ۲۰ فروردین ۶۵ بر اثر اصابت ترکش خمپاره جراحات شدیدی پیدا کرد و با قطع دست راستش و با آسیبی جدی که از ناحیه قفسه سینه و پای راستش دیده بود عنوان جانبازی را برای همیشه تاریخ به اقتدای از ابالفضل العباس برای خود به یادگار گذاشت پرونده جهاد اصغر جانباز دفاع مقدس با نایل شدن به درجه رفیع جانبازی بسته شد و پس از بهبودی نسبی در رشته کارشناسی کتابداری دانشگاه علامه طباطبائی تهران ادامه تحصیل داد و بیشتر وقت گرانبهای خود را در منطقه ی جوین به رسیدگی به وضع خانواده های محروم و دانش آموزان نیازمند می گذراند.

عشق به نظام و انقلاب این جانباز موجب شد تا قنبری نیا بدنبال ارتقاء سطح فرهنگی و علمی خود بر آید تا نقصان پیش آمده در وجود آسمانپس را با جهاد دیگری که حساس تر و مهمتر است ادامه دهد .

جهاد اکبر مرحله جدیدی از زندگی وی بود که پس از بهبودی نسبی و ترخیص از بیمارستان در سال ۶۵ وارد آن شد . خودسازی و مطالعه و خدمت به هم نوعان از مقوله‌هایی بودند ، که نوروزعلی را با جهادی نو وارد عرصه اجتماع کرد . در سال ۶۶ در رشته کتابداری دانشگاه کتابداری تهران مشغول تحصیل شد .

همراه و رفیق دوران دانشگاه تهران شهیدقنبری نیا به نام آقای محمدیان که هم اکنون در یکی از مدیریت های فرهنگی آستان قدس رضوی خدمت می کند ، در مورد این شهید می گوید:

جانباز شهید قنبری نیا تنها و بهترین و بااخلاق ترین دوست دوران زندگی من بود... ایشان اخلاقی آرام و فردی صبور و بردبار بود. حقیقتاً با ما متفاوت بود. خیلی از ناملایمات و سختی‌ها را نمیدید توجهی به نداری‌ها و کاستی‌ها نمیکرد. به عبارتی شیواتر قنبری نیا آزاده بود حرفش را در دل نگه نمیداشت واقعیت را پنهان نمیکرد و عنوان می کرد. نوروزعلی در عین جدی بودن درکار و درس انسانی با جوش و شوخ مسلک و شاد؛ زندگی را خیلی راحت می گرفت و اصلاً تجملاتی نبود آدمی ساده و بی آرایش... همه مطالب عنوان شده حاصل

چهار سال زندگی واقعی دوشادوش و کنار ایشان است. حقیقتاً یکی از افتخاراتم توفیق هم درسی و درس آموزی زندگی در کنار او بود. خیلی از درس های زندگی را از او آموختم و یکی از اسوه های زندگی اجتماعی من قطعاً شهید نوروز علی است. خداوند او را با انبیاء الهی محشور فرماید. محمد حسن محمدیان می گوید: بهترین خاطره من توفیق هم‌رزم شدنم با جانباز شهید قبری نیا در کلاس درس دانشگاه از سال ۶۹ تا ۷۳ در رشته علوم کتابداری و اطلاع رسانی است. معلم اخلاق من بود، معلم زندگی من بود شدت عشق و علاقه شهید به تحصیل مرا به وجد می آورد.

دستش را گلوله توپ و کلیه اش را منافق برمی دارد

جانباز قصه ما همچون ابوالفضل (علیه السلام) دست راستش را در دفاع از میهن و نظام اسلامی از دست می دهد. ولی... احسانی برادر همسر جانباز از قول هم‌سنگران زمان دفاع مقدس می گوید: وقتی با برخورد مستقیم گلوله توپ تانک دست راست نوروز علی از آرنج قطع می شود بلافاصله خودش دست از پیکر جدا شده اش را برمی دارد و انگشتر متبرکه ای که از حرم بی بی زینب به تبرک در انگشت داشته درمی آورد و به دوستانش می دهد تا به خانواده اش برسانند و در همان لحظه از هوش می رود!

جانباز عزیز از منطقه جنگی به سردخانه یکی از بیمارستان‌های تهران منتقل می‌شود.

یکی از بهیارهای بیمارستان متوجه زنده‌بودن وی می‌شود و به اتاق عمل منتقل شده و آن‌طوری که بعداً آشکار شد کلیه سالمش را یکی از پزشکان طاغوتی بنا به هر دلیلی برمی‌دارد! و همین امر پس از چند سال یک از عواملی می‌شود که منجر به شهادتش شد.

ولی... احسانی می‌گوید: بر اساس اظهارات پزشکان مشهد و محتوای پرونده و آزمایش‌های پزشکی که در سال ۱۳۷۵ از جانباز به عمل آمد، مشخص شد که ضربه و موج انفجار ناشی از توپ مستقیم تانک زرهی دشمن به سرش، موجب ایجاد لخته و بعداً نیز تومور شده است.

احسانی می‌گوید: وقتی شهید و اطرافیانش متوجه سرقت کلیه جانباز می‌شوند تأثیر بسیار منفی بر روحیه جانباز و خانواده وی گذاشته می‌شود! و پس از چند ماه اسکان و درمان در آسایشگاه معلولین مشهد به جوین برمی‌گردد تا در کنار فرزنداناش آخرین خداحافظی را داشته باشد آری او نمونه کامل یک جانباز مقاوم و صبور بود که پس از تحمل ۱۱ سال رنج مجروحیت سرانجام در تاریخ ۷۵/۵/۳ به فیض شهادت نایل آمد.

از شهید قنبری نیا ۵ فرزند به یادگار مانده است که آخرین فرزندش (فاطمه) در چهلمین روز شهادت پدر به دنیا آمد. تأسیس مؤسسه‌ی خیریه‌ی ایتم (فدک) جوین از صدقات جاریه‌ی اوست که برای به ثمر رساندنش ایثارگری‌های فراوانی کرد.

او خود درد یتیمی و رنج محرومی را چشیده بود تا آخرین لحظات عمر به دوستانش توصیه می‌کرد که برای رونق این مؤسسه‌ی خیریه بکوشند.

گزیده‌ای از وصیت‌نامه‌ی شهید:

« وصیتم به همکاران و دانش‌آموزان این است که مواظب اعمال و رفتارشان باشید. سعی کنید معلم خوبی برای بچه‌ها باشید و دانش‌آموزان هم در درس خواندن تلاش داشته باشند و پشت سر امام بمانید و انقلاب را حفظ کنید.»

فرزندانم خدایی دارند تا محتاج دیگران نشوند

در اواخر زندگی سبزش که در آسایشگاه پارک ملت به سر می‌برد و تازه از عمل جراحی به جوین برگشته بود، پزشکان احتمال شهادتش را می‌دادند به او گفتند: برای این که فرزندانمان بتوانند از امکانات دولتی استفاده کنند درصد جانبازی شما را ۷۰ درصد می‌زنیم تا شهید محسوب شوید. اما شهید این پیشنهاد را قبول نکرد و گفت: فرزندانم خدایی دارند تا محتاج دیگران نشوند


راوی: برادر همسر شهید قنبرنیا








۶۱۰





سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

کتابخانه شهید نوروز علی قبری نیا

	شهر	مرداد	تبر	خرداد	اردیبهشت	فروردین	ماه هفته
							اول
							دوم
							سوم
							چهارم

نام: نوروز علی

نام خانوادگی: قبری نیا

سال: ۷۴۲

در نگهداری کارت دقت نمایند کارت مجدد صادر نخواهد شد





۷۵۱۲۳۱۷

جمهوری اسلامی ایران

کمیته رادر

شماره شناسنامه: ۲۳۰

نام: آقای نوروز علی
نام خانوادگی: قنبری نیا

تاریخ تولد: روز اول اردیبهشت سال ۱۳۲۹

محل تولد: شهرستان بروجرد، بخش خضداسی

والدین	نام	شماره شناسنامه	محل تنظیم سند	تاریخ تنظیم سند
پدر	برای تقی	۸	بروجرد	۱۳۶۰
مادر	لیلا	۱۰۷۱	بروجرد	۱۳۶۰

تاریخ تنظیم سند: روز اول اردیبهشت سال ۱۳۶۰

محل تنظیم سند: شهرستان بروجرد، بخش خضداسی

نام و نام خانوادگی نامور: آقای نوروز علی قنبری نیا

محل تنظیم سند: شهرستان بروجرد، بخش خضداسی

تاریخ تنظیم سند: روز اول اردیبهشت سال ۱۳۶۰

زنده نگاه داشتن یاد و خاطره شهدا کمتر از شهادت نیست «مقام معظم رهبری»

شهدا اسناد افتخار و عظمت یک‌ملت به حساب می‌آیند بر اساس رهنمود رهبر معظم انقلاب این شناسنامه فرهنگی با هماهنگی خانواده محترم شهید و با همت دفتر حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس شهرستان جوین و با مساعدت بنیاد شهید و امور ایثارگران و ستاد یادواره شهدای جوین تهیه و تنظیم شد و به عنوان سند افتخار دفاع مقدس در جهت ثبت و نگهداری در تاریخ دفاع مقدس؛ تحویل کتابخانه‌های عمومی و دولتی شهرستان و استان و موزه دفاع مقدس و بنیاد شهید و سپاه و فرمانداری و بستگان و اقوام شهید شد.

دفتر حفظ آثار و نشر
ارزش‌های دفاع مقدس
شهرستان جوین

آموزش و پرورش
شهرستان جوین

ستاد یادواره شهدای
جوین